

رکورد گرمای زودرس در اروپا



سیرا لا لوبلورا: موج گرمای زودرس به همراه کاهش شدید میزان بارش در اواخر ماه ژوئن کشورهای جنوب اروپا از جمله فرانسه و اسپانیا را در بر گرفت و رکوردهای جدیدی در این زمینه به ثبت رسید. در حالی که این موج گرما در اسپانیا با آتش‌سوزی‌های متعدد همراه شده است، کارشناسان هواشناسی در فرانسه نسبت به ثبت رکورد بالای ۴۰ درجه در روز شنبه هشدار داده‌اند. به گفته یک کارشناس اقلیم و هواشناسی در فرانسه «این نخستین موج گرمای زودرس به شمار می‌رود که از سال ۱۹۴۷ تاکنون در فرانسه به ثبت رسیده و نتیجه تبعات حاصل از تغییرات آب و هوایی است.»

هواشناسی فرانسه در این خصوص نسبت به افزایش بیش از ۴۰ درجه‌ای دمای هوا طی روز شنبه در غرب این کشور هشدار داده و تأکید کرده که تمامی رکوردهای ثبت شده در این زمینه ممکن است با موج گرمای زودرس فعلی فرو ریزد. گرمای بی سابقه در اروپا همچنین باعث شده بسیاری از فعالان محیط زیست درباره آینده نگران کننده قاره سبز و فراموشی احتمالی این عنوان در دهه های آینده هشدار بدهند.

برنج مقاوم به گرما



پکن: محققان چینی از شناسایی آژن در برنج خبر داده‌اند که می‌توان از آنها برای افزایش مقاومت این گیاه در برابر گرما تا ۳۸ درجه سانتی‌گراد استفاده کرد. به گزارش سی‌جی‌تی‌ان، برنج معمولاً در دمای بیش از ۳۵ درجه سانتی‌گراد آسیب می‌بیند اما با استفاده از ژن‌های جدید می‌توان به جنگ این مشکل رفت و امنیت غذایی را افزایش داد. فعال کردن ژن‌های یادشده موجب می‌شود غشای سلولی برنج علائم مربوط به تنش گرمایی خارجی را قبل از برقراری ارتباط با کلروپلاست‌ها - اندام‌هایی که در آنها فتوسنتز اتفاق می‌افتد - حس کند. با تداوم روند گرم شدن کره زمین بسیاری از گیاهان در معرض آسیب هستند و این وضعیت می‌تواند به کلروپلاست‌های هر گیاهی از جمله برنج آسیب برساند. ژن‌های T۳۳.۲ و T۳۳.۱ که به همین منظور شناسایی شده‌اند در تعامل با یکدیگر به افزایش آستانه تحمل حرارتی برنج و نیز کاهش میزان از بین رفتن دانه‌های برنج به خاطر شدت گرما کمک می‌کنند.

بخندید تموز بر سرخ سب

در میان ایستگاه‌های بی‌وقفه زندگی، میان آنبوه باورهای که نفس و گذر را هر روز تنگ‌تر می‌کند، تابستان داغ‌تر می‌شود و سری که باید آفتاب و افکار را تاب آورد. هنوز

نگاه سارا کریمان
روزنامه‌نگار

زردآبی کووید-۱۹

همزمان با شروع تابستان، ۲۴۳ شهرستان در وضعیت آبی و ۶۱ شهرستان در وضعیت زرد قرار دارند و هیچ شهرستانی در وضعیت نارنجی و قرمز نیست. طبق آخرین آمار، تعداد مبتلایان جدید ۷۸۱ نفر، تعداد بستری‌های جدید ۸۲ نفر و تعداد فوتی‌ها ۴ نفر بوده است.

کرونا

رادیو

صد، ریفیق تابستانی ایرانیان

شبکه‌های رادیویی با ۷۶۳۹ برنامه، ۱۸۰ عنوان و به مدت ۴۰۰ ساعت به موضوع تابستان اوقات فراغت می‌پردازند که از این میزان برنامه، ۸۳۶ برنامه در قالب ۲۱ عنوان و به مدت ۵۶۲ ساعت و ۳۵ دقیقه به صورت ویژه خواهد بود.

تلویزیون

۳۰۰ علیه بی‌حوصلگی

جشنواره فیلم‌های سینمایی تابستانه سیما با پخش بیش از ۳۰۰ فیلم از سینمای ایران و جهان، در قالب تلویزیون تماشایی خواهد شد.

جشنواره

پنجشنبه‌ها با بازی

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران جشنواره «با بازی» ویژه نوجوانان و جوانان را در برخی مناطق و پارک‌های تهران هر پنجشنبه برگزار می‌کند و برخی بازی‌های بومی ایرانی مثل الک‌دولک، هفت‌سنگ و ورزش زورخانه‌ای در پارک‌های هر منطقه برپا می‌شود.

رویش هلالی برای غنی‌سازی تابستانی

یکی از اتفاقات خوبی که امسال در قالب طرح شوق رویش در سراسر کشور رقم می‌خورد تقویت خانه‌های هلال در سایه افزایش فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی در آنهاست. ظرفیتی که برای نخستین بار بعد از کرونا قرار است در طرح غنی‌سازی اوقات فراغت تابستان از آنها استفاده شود.

سمرقند و بخارا؛ مقصد تابستانی

رئیس‌جمهور قزاقستان در دیدار با رئیس‌جمهور کشورمان: به ایرانی‌ها ۱۴ روز اجازه ورود بدون روادید می‌دهیم

نهایت حرارت برای غایت برودت

معاون راهبری تولید شرکت برق حرارتی گفت: ۱۰۰ درصد ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی آماده خدمات‌رسانی در روزهای اوج مصرف برق تابستان امسال هستند.

هزار کانون هزاران کتاب

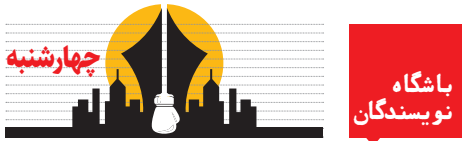
کانون پرورش فکری کودک و نوجوان از ابتدای تیر و بیش از هزار مرکز کانون در سراسر ایران به کودکان و نوجوانان عضو کانون کتاب‌امانت می‌دهد.

تابستان ۱۴۰۱ برگزار می‌شود آخرین کنکور با فرمول قدیمی

آزمون سراسری ورود به دانشگاه از صبح چهارشنبه هشتم تیرماه تا صبح شنبه یازدهم تیرماه برای ۵ گروه آزمایشی برگزار می‌شود. البته این آخرین باری است که کنکور به این شکل برگزار می‌شود و در کنکور سال آینده، از دروس عمومی سؤالی وجود نخواهد داشت و تمامی سؤالات دروس عمومی از کنکور حذف می‌شوند و بررسی آنها به سوابق تحصیلی دانش‌آموزان منتقل خواهد شد. همچنین از سال آینده کنکور از دروس اختصاصی به صورت دوبار در سال برگزار می‌شود و نتایج ونمره داوطلبان در این آزمون تا ۳ سال معتبر است.

عددها را جدی بگیرید شیر را ببندید

در آستانه فصل تابستان حجم آب موجود در مخازن سدهای تامین‌کننده آب استان تهران با کاهش ۱۴۶ میلیون متر مکعبی در مقایسه با پار سال به حدود ۶۴۰ میلیون متر مکعب رسیده است. تابستان امسال بی‌تردید برای عبور، نیاز به صرفه‌جویی جدی شهروندان در مصرف دارد. این اعداد نگران‌کننده بیش از هر چیز مسئولیت تک‌تک ما برای رعایت استانداردهای مصرف آب را یادآور می‌شود.



سه‌ماه تعطیلی

چند نماز تابستان ۶۵

سعید مروتی

روزنامه‌نگار



روز آخر امتحانات ثلث سوم، قرارش را می‌گذارم، راه طولانی خانه تا میدان منبیره را با اتوبوس شرکت واحد طی می‌کنیم تا برسیم به فروشگاه‌های لوازم ورزشی، هدف خریدن کتانی ۳ خط و پیراهن و گرمکن پرسپولیس است. پیراهن قرمز یقه گرد با آستین‌های سفید که شبیه پیراهن آرسنال است، بیشتر هم با شماره‌های ۷ و ۸، شماره سلطان و ناصر محمدخانی، فریبز و محسن شماره‌های دلخواه‌شان را راحت پیدا می‌کنند. من اما شماره ۱۴ را می‌خواهم که نیست، شماره بازیکن محبوبم ضیاء عربشاهی که بازی‌اش میان آن همه ستاره معمولاً به چشم نمی‌آید و شاید به همین دلیل است که پیراهن شماره ۱۴ پرسپولیس در منبیره پیدا نمی‌شود. «بیا این ۹ رو ببر، پیرهن حمید درخشان، ۱۰ هم داریم شماره شاهرخ» فروشنده خودش هم پرسپولیسی است و کل مغازه‌اش را با انواع و اقسام لباس‌های پرسپولیسی به رنگ قرمز در آورده به همراه پوسته‌هایی که روی دیوار خوش نشسته‌اند و بزرگ‌تر از همه تصویر بزرگ سلطان در حلقه شادی شاگردانش. تصویری که احتمالاً لحظاتی بعد از گل دقیقه ۹۴ علی پروین به هما ثبت شده بود. همان بازی‌ای که هما با گل حمید علیدوستی یک هیچ جلو بود، وقت کشی و چندبار توقف بازی، نتیجه‌اش وقت اضافه‌ای بود که بهلولی برای بازی گرفت (که آن موقع زمانش هم اعلام نمی‌شد) تا اینکه پروین از پشت هجده قدم با پای چپ توپ را به تور دروازه احمد سجادی چسباند. روز بعد مصاحبه محمود یاورلی با این تیتیر چاپ شد: «اگر پرسپولیس گل نمی‌زد بازی تا صبح ادامه داشت.» قشنگ معلوم بود حرصش در آمده که بازی برده را لحظه آخر مساوی کرده.

۲ ساعت جست‌وجو در منبیره در نهایت نتیجه می‌دهد، بالاخره یک پیراهن شماره ۱۴ پرسپولیس را در یک مغازه کوچک می‌یابم. پیراهنی آستین بلند و سراسر قرمز. این پیراهن چند سال پیش پرسپولیس است. زمانی که مجید سبزی و غلام فتح آبادی هم در تیم بازی می‌کردند. همین هم غنیمت است. کتانی ۳ خط و شلوار ورزشی را سریع می‌خریم و به سمت خانه می‌رویم.

۳ ماه تعطیلی شروع شده و مهم‌ترین برنامه مسافرتی گل‌کوچک است. از ۱۰ صبح تا ۲ بعدظهر یک نفس بازی می‌کنیم، یکی دو ساعتی برای استراحت و ناهار به خودمان تنفس می‌دهیم و بعدش دوباره روز از نوروزی از نو، وسط‌هایش تیله بازی هم هست که معمولاً به دعوا و کتک‌کاری منجر می‌شود. خوبی‌اش این است که هیچ دعوايي زياد طول نمی‌کشد و هیچ پسر بچه‌ای کینه‌ای نیست. همانطور که شهرام از گرمی‌های من ناراحت نمی‌شود. در تابستان ۶۵ پرسپولیسی‌ها سرم‌ان بالاست. استقلال را ۳ هیچ زده‌ایم و قهرمان باشگاه‌های تهران شده‌ایم. پوستر معروف کپهان ورزشی به دیوار اتاق چسباند‌ام و هر روز نگاهش می‌کنم. پوستر ناصر محمدخانی با این تیتیر درخشان: «فرارهای ۸ برای گل ۳».

معمولاً حوالی عصر از کنارمان رد می‌شد و لحظه عبورش همه ما پسر بچه‌های سیزده چهارده ساله هر آنچه در چنته داشتیم رو می‌کریم، مثل شکل‌زدن روی آسفالت‌ داغ خیابان که نتیجه‌اش پارگی شلوار ورزشی و زانوی زخمی‌ای بود که خونش به سادگی بند نمی‌آمد. شلوار را مادر وصله می‌زد و زخم زانو هم بالاخره خوب می‌شد. مهم نمایش قهرمانانه بود که حاصل شده بود. و نتیجه‌اش هم یک مکث کوتاه و نگاهی کوتاه‌تر بود. دهه ۶۰ قضاقت پیشه ما بود.

برای مدیریت کردن بول توجیبی با هزینه خرید کتاب و مجله و سینما رفتن، باید قید کبک و نوشابه و ساندویچی که معمولاً بعد از چند ساعت دویدن به دنبال توپ در هوای گرم تابستان بچه‌ها به بدن می‌زنند را بزنی. با همان شربت سکنجبین مادر هم می‌شد رفع عطش کرد. داشتن عکس بزرگ یان‌راش با پیراهن خوش‌نقش لیورپول در پوستر وسط دنیای ورزش مهم‌تر بود یا دو نونه‌های آقامحسن ساندویچی محل؟ بعد بازی اگر هم خانه نمی‌رفتی، با بربری هم می‌شد سیر شدن مجله را نمی‌شد نخريد و بسینما را نمی‌شد ترقت. نمی‌شد از «مردی که موش شد» و «جاده‌های سرد»(که در چله تابستان اکران شد) گذشت که اولی را مجله فیلم می‌کوبید و از دومی تعریف می‌کرد. در ۱۳ سالگی اما می‌شد هر دو را دوست داشت. تابستان اینگونه طی می‌شده: به سرعت برق و باد و تا به‌خودت می‌آمدی روزهای آخر شهریور بود و دوباره ثبت‌نام در مدرسه‌ای که ناظم خط‌کش به دستش شوق و رق استناده بود تا پسر بچه‌های شر و شور را ادب کند. من هیچ وقت شر و شور نبودم ولی برای رفاقت پای هر شرارتی می‌ایستادم. در آخرین روزهای تابستان ۶۵ هنوز مانده بود تا فیلم‌های کیمیایی از راه برسد و کلکم را بکند. فاقت از کوچه و مدرسه آمده بود هنوز سینما یا آرتیست بازی بیشتر جواب می‌داد تا جان دادن پای رفیق. هنوز مانده بود که تا آن تابستانی که با فریبز و مسعود، آن سیاه و سفیدی نظیر دهه پنجاهی را دیدیم که قهرمان خسته‌اش در انتهای ماجرا می‌گفت «خیلی دلم می‌خواست به جور خوب کلکم کنده شه» که آن خودش حکایتی دیگر است.

سایه‌ها می‌دانند که چه تابستانی است

